



واکاوی دلایل خود محوری دکتر محمد مصدق در شکست نهضت ملی و صنعت نفت

همایون حاتمیان^۱

چکیده

در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، تحمل مخالفان و رواداری به گفتمان حاکم تبدیل گردید. به این ترتیب، فضای سیاسی ایران متکثرتر، قدرت شاه محدودتر، احزاب متنوع‌تر، اقتدار قانونی بیشتر شد و از طرف دیگر تحمل و مدارا با مخالفان بیشتر شد. با این نوع نگاه در این نوشته منطبق اصلی بحث، چگونه «استیفای حقوق ملت ایران» در سال‌های جنبش نفت، مفهومی برابر با «ملی کردن» می‌باشد. چرا که با عنایت به متن تاریخی سال‌های ملی شدن صنعت نفت، تحلیل گفتمان کمک می‌کند تا فهمی واقع بینانه از عملکرد منطبق ملیون ایرانی در برابر منطبق انتقال‌گرا نه دشمنان آن‌ها داشت. علل و عوامل بنیادین مطرح شده در این نوشتار نشان می‌دهد که ملیون ایرانی راهبردهای عمیق و قابل پیش‌بینی در قبال ایالات متحده و به ویژه انگلستان نداشتند. با بر ملا شدن این ضعف‌ها و علل و عوامل بنیادین، ملیون فاقد ابتکار عمل‌های واقع بینانه بودند، ابتکار عمل‌های واقع بینانه‌ای که می‌توانست ابهام گفتمانی را وارد دوره‌ای جدید نماید. دوره جدید می‌توانست به گونه‌ای مطرح شود که بنیاد جنبش ملی شدن صنعت نفت به قوت خود باقی بماند و دشمنان ایران را دچار انفعال گرداند. این مهم انجام نشد و اندک اندک شکست گریبان جنبش ملی را گرفت.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، مصدق، توسعه، توسعه سیاسی-اقتصادی، سیاست داخلی

شماره ۱ (۲۴)

سال ۹
بهار ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۰۵/۱۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۴/۱۹
صص: ۱۱۲-۱۳۴



DOI: 10.2783.4999/PRIW.2212.1223.1.24.7

مقدمه

به خلاف تئوری‌های تجویزی نوسازی یا نظریات مارکسیستی که عمدتاً نقطه تحلیل خود را اقتصاد قرار می‌دهند و نقش طبقات را در روند جنبش‌ها برجسته می‌نمایند (wolpe, 1988: 19)، موضوع مورد بحث در این مقاله «هویت» است. هویت‌یابی فرایندی است که طی آن نخبگان سیاسی تلاش می‌نمایند؛ افراد، سازمان‌ها و احزاب را در متن گفتمان سیاسی مورد علاقه خود جایابی نمایند. هویت‌یابی و جایابی شدن هویت‌ها در هر نوع منظومه گفتمانی قرین شکل‌گیری مرزهای سیاسی است. مرزهای سیاسی موجب می‌شود که استقرار هویت‌ها در فضاهاى سیاسی در برابر غیرت‌های رادیکال، معنا و مفهوم یابند. نظریه پردازان گفتمانی معتقدند که شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی-اجتماعی مرهون دو اصل اساسی است؛ اولاً هویت‌ها کامل و سرشار نیستند و ثانیاً در متن، هر هویتی میل و خواستی معطوف به پری و سرشاری دارد. شناسایی هویت‌ها با این دو ویژگی شور و هیجان لازم را برای حرکت، پویا و شکل بخشی به جنبش فراهم می‌کند. نادیده انگاشتن آموزه‌های طبقاتی یا تحلیلی‌های صرف اقتصادی توانسته است بستر ساز نظریه اقدام و کنش سیاسی همانند تجزیه و تحلیل گفتمانی شود به گونه‌ای که فاعلان کارگزار و هویت‌های سیاسی، نقش فعالانه‌ای در رقم زدن سرنوشت خویش می‌یابند (معین، ۱۳۶۴: ۱۴۵). با این ملاحظه باید اذعان نمود که مردم ایران در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به دنبال تجدید خاطره «ازلی-قومی» خود بودند تا بتوانند هویت، کرامت و جایگاه گذشته خود را در سطح ملی و فراملی تجدید نمایند. فروپاشی دوران سیاسی دیکتاتوری رضاشاه می‌توانست فرصتی مغتنم و آغازی برای پی‌ریزی تبار نوین جنبش ملی ایرانیان باشد. دست‌یابی به توسعه سیاسی، یعنی فرآیندی که در جریان گر مشکلات و سنگ‌اندازی‌های داخلی که نمونه‌هایی از آن‌ها از سوی دربار و وابستگان به آن، اعیان و اشراف و احزابی نظیر حزب توده به وقوع پیوست، وجود نداشت، آیا دولت ملی می‌توانست پیروز مبارزات نفتی شود، نفت خود را با قیمت واقعی صادر کند و تولیدات غیرنفتی هم دوام داشته باشند؟ در مواجهه با چنین سؤال‌هایی ممکن است این پاسخ را دریافت کرد که شرایط در آن زمان تفاوت بود. دکتر مصدق در داخل و در خارج از کشور تنها بود. او چه کار باید می‌کرد؟

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در ایران، گفتمان توسعه سیاسی، تابعی از گفتمان قدرت سیاسی است، بدین معنا که هرگاه قدرت سیاسی، متمرکز، با ثبات و مسلط بوده است، گفتمان

توسعه سیاسی در عمل محدود و بی‌رنگ گردیده، در حالی که در دوره‌های عدم تمرکز قدرت، گفتمان توسعه سیاسی، به گفتمان غالب تبدیل شده است. این امر نشان می‌دهد که گفتمان توسعه سیاسی با گفتمان قدرت یا گفتمان حاکمیت، رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ دارد. بنابراین مطالعه گفتمان حاکم در زمینه توسعه سیاسی در دوره‌های تاریخی گوناگون، به معنای شناخت تفکر، دیدگاه و اراده قدرت سیاسی حاکم نسبت به توزیع قدرت، رقابت و مشارکت سیاسی، آزادی و در نهایت شناخت میزان مشروعیتی است که حکومت از آن برخوردار است (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۹). از این رو این مقاله می‌کوشد با طرح این پرسش «آیا سیاست‌های داخلی مصدق در مسیر توسعه سیاسی کشور بود؟» سیاست‌های داخلی دکتر مصدق، وضعیت توسعه سیاسی را دوره نخست‌وزیری ایشان را بررسی نماید.

۱ - چهارچوب نظری - توسعه

توسعه در مفهوم کلی و لغت‌نامه‌ای به معنای «ترقی کردن و فراخ کردن» است (معین، ۱۳۶۴: ۱۱۶۵). در معنای اصطلاحی، توسعه مشتمل بر فرآیندی پیچیده است که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تعدیل درآمدها و زدودن فقر و محرومیت و بیکاری و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی - فنی و فرهنگی در یک جامعه معین را در برمی‌گیرد.

مفهوم توسعه سیاسی به‌طور ویژه از دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف تعریف و به بحث و بررسی گذاشته شده است. گروهی با نگرشی کمی و برخی دیگر با نگاهی کیفی و ساختاری به توسعه سیاسی پرداخته‌اند؛ برخی نیز با رویکردی خاص سعی در برشمردن شاخص‌ها و پارامترهایی مشخص برای آن کرده‌اند. با این حال، بر اساس تعاریف مورد نظر، توسعه سیاسی عبارت است از روش‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی که رشد اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه هموار می‌سازد. شماری از محققان، توسعه سیاسی را به مطالعه رژیم‌های جدید، نقش گسترش یافته حکومت‌ها، بالا بردن مشارکت سیاسی و توانایی رژیم‌ها برای حفظ نظم در شرایط تحولات پرشتاب و همچنین رقابت بین دسته‌های سیاسی، طبقات و گروه‌های قومی بر سر قدرت و نیز رقابت در منزلت اجتماعی و ثروت تعریف می‌کنند. به بیانی دیگر، منظور از توسعه سیاسی، افزایش ظرفیت و کارآیی یک نظام

سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است و هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۲۵۷).

۲- روابط ایران و آمریکا در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق

روابط ایران و آمریکا در این دوران، به شدت تحت تأثیر مناقشه «نفتی ایران و انگلیس» بود، به نظر می‌رسد، تحلیل نادرست دکتر مصدق از جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد و ناتوانی از درک روابط عمیق آمریکا و انگلستان، موجب شد وی در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۲ برای مقابله با مشکلات سیاسی و اقتصادی ایران بیش از اندازه به آمریکا خوش‌بین باشد. روش مصدق برای جلب توجه آمریکایی‌ها و فاصله‌انداختن میان آمریکا و انگلیس نه تنها مفید نبود؛ بلکه زیان‌های غیرقابل جبرانی را در پی داشت. به نظر می‌رسد دکتر مصدق به حمایت اقتصادی آمریکا بیش از حمایت سیاسی آن دل بسته بود و تصور می‌کرد به پشتوانه کمک‌های آمریکا خواهد توانست سرانجام بر مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای نفتی فائق آید (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۱۲۳). در واقع حتی تا زمانی که همسویی آمریکا با انگلیس آشکار نشده بود، برخی ایرانیان به‌خطا می‌پنداشتند برای حل مشکلات اقتصادی کشور، پس از تحریم اقتصادی انگلیس می‌توانند به آمریکا تکیه کنند. «هنری گریدی»^۱، سفیر آمریکا در تهران که احتمالاً به‌خوبی متوجه چرخش سیاسی دولت متبوع خود نشده بود، در گزارشی برای «آچسون» تأکید کرد کوتاهی آمریکا در پرداخت وام بیست و پنج میلیون دلاری بانک صادرات و واردات به ایران، لطمه شدیدی به اقتصاد ایران وارد خواهد کرد و این اقدام به سود انگلیس خواهد بود. اما در همان حال، «والتر گیفورد»^۲، سفیر آمریکا در لندن و گروهی دیگر از کارشناسان وزارت خارجه آمریکا، برخلاف او عقیده داشتند، بهترین راه برای به زانو درآوردن مصدق به تعویق انداختن پرداخت وام است و چنانچه

1 Henry Grady

2 Walter Gifford

عدم پرداخت كامل وام ممكن نباشد، باید حتماً با انگلیس در این زمینه مشورت شود. آن‌ها معتقد بودند ناكامی مصدق در دریافت وام خارجی، احتمالاً به تغییر سیاست او منجر خواهد شد و از این رو توصیه می‌کردند دولت آمریکا همچنان در برابر تقاضاهای كمك مالی مصدق ایستادگی كند (زعیم، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

دكتر مصدق همچنان خوش‌باورانه برای حل مشكلات اقتصادی به آمریکا امیدوار بود و در سفرش به نیویورك می‌كوشید نظر مساعد دولت آمریکا را برای اعطای كمك به ایران جلب كند. هنگامی كه دكتر مصدق در نیویورك بود، بانك بین‌المللی عمران و توسعه، طرحی را به وساطت سفیر پاکستان برای حل اختلافات ایران و انگلیس پیشنهاد كرد. در هجدهم آبان ۱۳۳۰، «رابرت گارنر»، قائم‌مقام بانك مذكور، با دكتر مصدق دیدار و گفت‌وگو كرد و سه پیشنهاد به وی ارائه داد، اما دولت ایران پیشنهادها را رد كرد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۱۷). در ادامه سفیر آمریکا در تهران كوشید توجه دكتر مصدق را به دشواری‌های آمریکا در كمك‌رسانی به ایران جلب كند و تأکید كرد، ایران به جای كمك خواستن از آمریکا، بهتر است با انگلیس به تفاهم برسد و نیازهای مالی كشورش را از درآمد نفت تأمین سازد. دكتر مصدق در پاسخ تهدید كرد در صورت عدم پرداخت كمك‌های مالی آمریکا، مقداری از نفت ایران را به کشورهای چین، چكسلواکی و آرژانتین خواهد فروخت. وی همچنین سفیر آمریکا را از فروپاشی سیاسی ایران و بروز یک انقلاب کمونیستی در كشور ترساند و با این كار اشتباهی بزرگ مرتكب شد. مصدق در دیدار ۲۲ دی ۱۳۳۰ با هندرسون، به وی گفته بود: «من با خلوص نیت حرف می‌زنم. به خدا قسم اگر به ایران كمك خارجی نشود، از هم تلاشی خواهد شد و در عرض سی روز انقلاب کمونیستی صورت می‌گیرد.» (همان: ۸۳). به این ترتیب در آستانه اولین سالگرد ملی شدن نفت، دولت ایران با انبوهی از مشكلات اقتصادی روبه‌رو شد. بودجه سال ۱۳۳۰ به تصویب مجلس نرسید و كسری بودجه كشور كه در سال‌های قبل بین پانزده تا بیست و پنج درصد بود، پس از ملی شدن نفت به بیست و هشت درصد رسید. كارشناسان مالی عقیده داشتند نیمی از این كسری را می‌توان از طریق اصلاح سیستم مالیاتی و دریافت عوارض گمرکی رفع كرد. به همین منظور دولت برای مقابله با كمبود درآمد و پاسخ به نیازهای اقتصادی ضروری كشور، به تشویق صادرات و محدودیت واردات اقدام كرد. در این شرایط، دولت مصدق

سه لایحه قانونی را برای رفع تنگناهای اقتصادی و ارزی کشور و انتشار اوراق قرضه ملی و تحصیل اعتباری معادل بیست و پنج میلیون دلار از بانک صادرات و واردات آمریکا، به تصویب مجلس رساند. با انتشار اسکناس بیشتر، پشتوانه طلا از ۵۵/۳ درصد در سال ۱۳۲۹ به ۳۷/۷۶ درصد در سال ۱۳۳۲ رسید. در بهمن ماه ۱۳۳۰ بیش از دو میلیارد ریال اوراق قرضه ملی با سررسید دو ساله منتشر شد. اقشار متوسط و کم درآمد از انتشار این اوراق استقبال کردند؛ اما از آنجا که مقدار اوراق قرضه فروخته شده کافی نبود، توانست هدف دولت را تأمین کند و دولت همچنان برای تأمین نیمی دیگر از هزینه‌های خود با مشکل جدی روبه‌رو بود (فاتح، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

۳- محورهای آسیب شناسی رویکرد مصدق

۳-۱- عدم شناخت مصدق با پیچیدگی‌های اداره صنعت نفت (بعد از ملی شدن)

بر خلاف انگلیسی‌ها که یک دل و یک زبان از شرکت نفت و منافع نفتی خود دفاع می‌کردند، ملی کردن نفت تا آخرین لحظه تصویب آن با مخالفت بخش مهمی از هیئت حاکمه و خرابکاری و کار شکنی سازمان‌های ضد ملی وابسته به بیگانگان روبرو بوده از این رو تمام کوشش‌های رهبران جنبش صرف خنثی کردن این مخالفت‌ها بود و برای بررسی واقعیت‌ها و تحلیل آن‌ها و برنامه ریزی برای آینده فرصت کافی نداشتند. به عنوان مثال «حسین مکی» در جلسه کمیسیون نفت در ۱۳۲۹/۱۱/۱۹ و یا «مظفر بقایی» در جلسه ۱۳۲۹/۱۰/۳ مجلس شورای ملی فروش و استحصال نفت را کاری آسان می‌دانستند (خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۸۸-۸۷).

حتی خود دکتر مصدق نیز در جلسه ۱۳۲۹/۹/۲۶ مجلس ملی شدن نفت را امری ساده عنوان نمود و اظهار داشت که «حقیقت این است که کشور ایران دچار هیچ گونه ضرر اقتصادی و ارزی در اثر ملی کردن نفت نخواهد شد» (خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۸۸). در مجموع سیاست‌های اقتصادی دولت دکتر مصدق به دو قسمت تقسیم می‌شود: نخست ۴ ماه اول حکومت او که از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا پایان مرداد آن سال و بازگشت از سفر آمریکا و شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل بود؛ دوم باقیمانده دوران حکومت تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ۴ ماه اول دوران زمامداری دکتر مصدق وضعیت اقتصادی کشور بر همان منوال سابق بوده و بخشی از ذخیره ناچیز ارزی کشور صرف واردات لوازم و کالاهای غیر ضروری می‌شد دولت همچنان برای واردات این اجناس ارز می‌فروشد و نرخ

گواهینامه ارزی جهت کالاهای ضروری هر لیره ۲۱ ریال و هر دلار ۷/۵ ریال و این نرخ برای کالاهای غیر ضروری هر لیره ۴۵/۵ ریال و هر دلار ۱۶/۲۵ ریال است و حتی در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۰ این مبلغ را برای گواهینامه ارزی کالاهای غیر ضروری کاهش نیز می‌دهد (خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۹۱). در داخل کشور دولت برای این که ناراضیان سیاسی را راضی کند به استخدام جوانان در صنعت نفت روی آورد. بسیاری از آن‌ها را برای تحصیل به خارج از کشور اعزام کرد. این موضوع سبب ایجاد یک نهضت ترجمه در نفت شد به نحوی که اگر به آثار ترجمه شده دوره ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۳ نگاهی داشته باشید می‌بینید که بیشترین آثار ترجمه شده از سوی کارشناسان نفتی صورت گرفته است؛ اهمیت آثار ترجمه شده در این بود که منجر به آگاهی بخشی و بیداری ایرانیان شد. از نظر بین‌المللی سخنرانی‌های دکتر مصدق در سفرهای بین‌المللی‌اش بازتاب فراوانی داشت به نحوی که الگوی خیزش ملی مصر و ملی شدن کانال سوئز توسط «جمال عبدالناصر» لقب گرفت. در واقع ایران در زمان دکتر مصدق به دلیل اقدام‌هایی که برای ملی کردن صنعت نفت انجام داد بر فراز تحولات سیاسی منطقه و جهان ایستاده بود. نمی‌توان نقش مصدق و ملی شدن صنعت نفت را در ایجاد نهضت حرکت‌های ملی و استقلال طلبانه نادیده گرفت (نجاتی، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۶۲-۵۹).

۳-۲- ساده انگاری مصدق در بازی استفاده از کارت آمریکا در برابر انگلیس

پس از جنگ جهانی دوم، جنبش‌های استقلال طلبانه در آسیا، آفریقا و منطقه کارائیب شکل گرفته بود، بنابراین مسئله ملی شدن یک اقدام مترقیانه برای رفع مشکلات اقتصادی، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی بود. همگان در خود انگلستان نیز پس از پایان جنگ جهانی دوم (حزب کارگر) اقدام به ملی کردن صنایع و بانک‌ها کرده بود. دولت ائتلافی فرانسه که متشکل از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها بودند نیز اقدام به ملی کردن صنایع کردند. ملی کردن یعنی انتقال از بخش خصوصی به دولت طبق قانون، برای توسعه اقتصادی به شرط پرداخت منصفانه است. بنابراین دکتر مصدق نیز اقدام به ملی کردن نفت در ایران کرد. یکی از المنت‌های ملی کردن در ایران، متوقف کردن دخالت خارجی‌ها در امور داخلی ایران که بیشتر در مورد شرکت نفت بود که پشتوانه آن دولت انگلیس بود. دومین المنت نیز احیای ارزش‌های قانون اساسی مشروطه یعنی شاه باید سلطنت کند نه حکومت. سومین المنت نیز، آزادی انتخابات، احزاب و روزنامه‌ها بود. چهارمین المنت نیز توسعه اقتصادی و رفاه عمومی بود. بنابراین این فلسفه ملی کردن بود که دکتر مصدق از آن به عنوان رنسانس سیاسی

نام برده بود (متنی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). در هر حال پس از کودتای ۲۸ مرداد، معاهده ۱۹۵۵ با کمپانی‌های کنسرسیوم‌ها منعقد شد. براساس اصل ۵۰-۵۰ یعنی قراردادهایی که قبلاً انگلیسی‌ها منعقد کرده بودند عبارت بود از اینکه به ازای هر یک تن نفت، شش شیلینگ پرداخت می‌کردند که با اصل ۵۰-۵۰ به طور کامل تفاوت داشت. طرحی که انگلیسی‌ها در مراحل بعدی پیشنهاد کرده بودند و حاضر به انجام آن نبودند. قرارداد قوام-ساجیکف هم با روس‌ها منعقد شده بود، به طور کلی ۴۹-۵۱ بود. بنابراین اصل ۵۰-۵۰ یا اصل تنصیف یک اصل مترقیانه بود و باتوجه به ملی شدن صنعت نفت بود که کنسرسیوم‌ها موافقت کردند که ۵۰-۵۰ شود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۷۹).

در حال حاضر انتقاداتی که به دکتر مصدق وارد می‌شود این است که چرا مجلس را منحل کرد، زیرا وقتی که پیشنهاداتی به او شد، مصدق پذیرفت. دولت آمریکا و انگلیس به این نتیجه رسیدند که با دولت مصدق نمی‌توانند به توافق برسند و باید دولت دیگری بر سر کار آید. دوم این بود که از طریق مجلس اقدام کنند. چرا که انگلیسی‌ها مانع صدور نفت بودند و این بحث را مطرح می‌کردند که کالای قاچاق و غیرقانونی است. دولت هم نیاز داشت که برای بودجه کشور، اسکناس چاپ کند منتهی چاپ اسکناس باید مخفیانه باشد یعنی پشتوانه کافی برای حقوق کارمندان و غیره داشته باشد. انتخابات در مجلس برای ناظر در بانک مرکزی صورت گرفت، حسین مکی و مظفر بقایی که مخالف مصدق بودند اکثریت آرا در مجلس آورده بودند؛ زیرا تصور می‌شد که در مجلس اکثریت دارند اما مشخص شد که در مجلس اکثریت ندارند (نجاتی، ۱۳۶۴: ۱۴۷-۱۴۳).

۳-۳- عدم وقوع پیش‌بینی بحران‌های مالی ناشی از صادر نشدن نفت (بعد از ملی شدن)

دکتر مصدق در آغاز دوران نخست‌وزیری‌اش گمان می‌برد می‌تواند با درآمد نفت، تمام نیازهای بودجه را تأمین کند و به مبارزه با فقر، بیماری و عقب ماندگی کشور در همه ابعاد همت بگمارد. اما بزودی با شرایط کاملاً متفاوتی روبه‌رو شد و نه به عنوان یک انتخاب، بلکه با قرار گرفتن در عمل انجام شده، به اقتصاد بدون نفت روی آورد. دولت ابتدا کوشید تا با گرفتن وام ۲۵ میلیون دلاری با نرخ بهره سه و نیم درصد از بانک صادرات و واردات آمریکا، تنگناهای مالی خود را پشت سر گذارد. اما آمریکایی‌ها اعطای هرگونه وام را به حل مناقشه نفت موکول ساختند و علاوه بر قرار دادن دولت مصدق در تنگنای اقتصادی، موضع سیاسی این دولت در برابر مخالفانش را تضعیف کردند. در این میان اتحاد جماهیر شوروی نیز از پرداخت بدهی باقی مانده از جنگ جهانی دوم

سرباز زد و دولت مصدق بيش از پيش تحت فشار قرار گرفت. دولت كه ابتدا تصور مي كرد قطع صدور نفت موقتي خواهد بود، با مشاهده بن بست در مذاكرات مربوط به حل مناقشه نفتي، دريافت كه دوره‌اي طولاني از بحران اقتصادي پيش رو است. بنابر اين برنامه‌هاي بلندمدت تري را براي اداره اقتصاد كشور تدارك ديد كه در ذيل به مهم ترين آن‌ها اشاره مي شود (آبراهاميان، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۲):

۱- صرفه جويي مالي

از آنجا كه ريخت و پاش مالي همواره در سازمان‌هاي دولتي ايران وجود داشته و اين موضوع با توجه به گستره و عمق نفوذ دولت در اقتصاد كشور، كليت اقتصاد را تحت تاثير قرار داده است، دولت مصدق پيش از هر اقدامي حذف هزينه‌هاي غير ضروري، اصلاح سيستم مالياتي و بازنگري در اداره دولت به منظور كاستن از هزينه‌ها و افزايش بازده را در دستور كار قرار داد و هزينه‌هاي خود در بودجه سال ۱۳۲۹ را از ۱۱/۲ ميليارد ريال به ۹/۷ ميليارد ريال در بودجه سال ۱۳۳۰ رساند.

۲- افزايش درآمدهاي مستقيم دولت

راهكار ديگر دولت براي افزايش درآمد عمومي، بالابردن قيمت كالاهايي بود كه توليدشان در انحصار دولت قرار داشت. از همه مهم تر سيگار، چاي، قند و شكر و ترياك بودند كه مصرف بالايي داشتند و هرگونه افزايش در بهايشان، درآمد هنگفتي را عايد دولت مي كرد. همچنين عوارض و حقوق گمركي به ميزان قابل توجهي افزايش يافت. اما همين موضوع مي توانست تبديل به پاشنه آشيل دولت شود و نارضائتي مردم را افزايش دهد.

۳- جلب مشاركت مردم در سرمايه گذاري

روش ديگر دولت براي رفع تنگناهاي مالي، جلب مشاركت عموم مردم در اداره اقتصاد بود كه با انتشار اوراق قرضه در نيمه دوم سال ۱۳۳۰ صورت پذيرفت. اما اين سياست توفيق چنداني نداشت و فقط يك چهارم اوراق منتشر شد. فقر نسبي كه بر اثر شرايط نامساعد اقتصادي دامن گير بخش عمده‌اي از مردم شده بود، آنها را از خريد اوراق قرضه بازمي داشت. ثروتمندان نيز به دليل خصلت محافظه كارانه خود تمايلي به خريد اوراق نداشتند و چنين به نظر مي رسيد كه عمده خريداران، گروهی از بازياران پرشور طرفدار دولت بودند.

۴ - مصدق؛ از ملی شدن صنعت نفت تا کودتا

واقعیت این است که موضوع امتیازهای نفتی و استخراج منابع زیرزمینی و عقد قراردادهای آنچنانی از دوره قاجار آغاز شد. انعقاد قرارداد داری در دوره مظفری نمونه بارز این موضوع است. با سقوط قاجار و برآمدن پهلوی، رضا شاه در سال ۱۳۱۲ تلاش کرد امتیاز داری را لغو کند. اما قراردادی که به تبع این حرکت عجلولانه شاه در جهت خلع ید انگلیسی‌ها از نفت جنوب منعقد گردید، به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران بسی بدتر و مفتضحانه‌تر از قرارداد داری بود. با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ فضای سیاسی کشور متحول شد. ارکان‌های قدرت حکومت مشروطه جایگاه نسبی خود را به دست آوردند (فاتح، ۱۳۸۴: ۳۵۲).

حوزه جغرافیایی پیشنهادات مذکور از جنوب تا داخل بلوچستان ایران را در بر می‌گرفت. دولت سهیلی موضوع مذاکره نفتی با کشورهای خارجی را مخفی نگه داشت اما کارشناسانی را جهت مطالعه در خصوص واگذاری مذاکرات مذکور استخدام کرد (کی استوان، ۱۳۲۷: ۱۵۶). با سقوط دولت سهیلی مذاکرات نفتی در دولت ساعد برملا شد. افشای مذاکرات نفتی در مجلس واکنش‌هایی را از سوی نمایندگان به دنبال داشت. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی بیان‌گر بسیاری درگیری‌ها، پرسش و پاسخ در این زمینه است. نخست وزیر، اتخاذ تصمیم در باب سیاست‌های نفتی را از اختیارات مجلس دانست و دولت را در قضیه نفت تنها مجری تصمیمات مجلس قلمداد کرد. در خصوص اعطای امتیاز نفت شمال بین نمایندگان اختلاف نظر وجود داشت. اما مصدق در این زمان براساس سیاست موازنه منفی، مخالف اعطا هر نوع امتیازی به کشورهای متقاضی بود (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۲۱).

طرحی که مصدق در خصوص اعطای امتیاز به دول خارجی با تکیه بر سیاست موازنه منفی تقدیم مجلس کرد و در نهایت با حذف ماده چهارم آن به تصویب رسید، از این قرار بود:

ماده اول؛ هیچ نخست وزیر و اشخاصی که کفایت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از این‌ها مذاکراتی که اثر قانونی دارد، بکنند و یا این که قراردادی امضا نمایند؛

■ واكاوای دلایل خود محوری دكتر مصدق در شكست نهضت ملی و صنعت نفت

ماده دوم؛ نخست‌وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج می‌کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند؛

ماده سوم؛ متخلفین از مواد به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده چهارم؛ تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آن‌ها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد. دادستان مزبور وظیفه دارد که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۳/۹/۱۱).

از طرفی، با ورود «سرگی کافتاردزه» نماینده شوروی به ایران و درخواست وی مبنی بر واگذاری امتیاز نفت شمال و مخالفت دولت با اعطای امتیاز به شوروی، ورق برگشت. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به دلیل حفظ منافع خود، مذاکرات با ایران را بر سر مسأله نفت قطع کردند. توده‌ای‌ها که تا پیش از این تمایلی به دادن امتیاز به کشورهای خارجی نداشتند و از سیاست مصدق راجع به عدم اعطای امتیاز به خارجی‌ها استقبال کرده و به دنبال خلع ید از انگلیس در خصوص نفت جنوب بودند، با درخواست شوروی‌ها مبنی بر واگذاری امتیاز نفت شمال، تغییر عقیده دادند و باعث بروز ناآرامی‌هایی در پایتخت گردیدند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۱۶). بر این اساس، با توجه به رقابت امریکا و انگلستان در ایران، به‌ویژه در دو زمینه نفوذ در الیگارشی سنتی سیاسی و دیگری در منابع و صنایع نفت ایران از یک طرف و انتظارات افکار عمومی به‌منظور استقلال صنایع نفت از هر قدرت برون-مرزی، مجلس شانزدهم شورای ملی به رهبری دكتر مصدق لایحه گس - گلشائیان را رد کرد و اعضای کمیسیون به اتفاق آرا این تصمیم را گرفتند: «کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۱۳۲۹/۳/۳۰ مجلس شورای ملی تشکیل شده است، پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست، بنابراین مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد» (مسعودنیا و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۲۹۱).

به دنبال این اتفاقات، ساعد هم ناتوان از حل مسأله نفت ناگزیر استعفا داد و علی منصور به نخست‌وزیری رسید. در دوره منصور صف‌بندی جدیدی در مجلس بر سر دفاع از حقوق نفتی در قالب کمیسیون نفت صورت گرفت و خود مصدق رهبری این کمیسیون را بر عهده داشت. پس از منصور، رزم‌آرا بر آن بود امتیازنامه‌ای همانند قرارداد شرکت آرامکو با عربستان سعودی بر مبنای قرارداد مناصف ۵۰-۵۰ تنظیم کند اما با ترور وی توسط خلیل طهماسبی، از اعضای فداییان اسلام، ناکام از انعقاد چنین قراردادی شد (فوران، ۱۳۸۷: ۴۲۲).

رزم‌آرا از سرسپردگان انگلیس بود و یکی از مهمترین موانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت دانسته می‌شد. کشته شدن رزم‌آرا، علاوه بر این که راه تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت را باز کرد، آزادی نسبی در انتخابات مجلس شانزدهم را در پی داشت. این فضای به‌وجود آمده باعث امیدواری بیشتر مصدق گردید و سبب شد برای پذیرش نخست‌وزیری و اجرایی شدن قانون ملی کردن نفت اعلام آمادگی کند (رهنما، ۱۳۸۴: ۱۵۵). بر این اساس، یک روز پس از ترور نخست‌وزیر رزم‌آرا در ۱۳۲۹/۱۲/۱۷، کمیسیون مخصوص نفت، اصل ملی شدن صنعت نفت را اعلام کرد. قانون مذکور در ۲۴ اسفند از تصویب مجلس شورای ملی و سپس در ۲۹ اسفند از تصویب مجلس سنا گذشت. کمیسیون نفت مجلس با تصویب طرح ۹ ماده‌ای چارچوب ملی شدن نفت را تعیین کرد و رسماً خلع ید انگلیس از نفت جنوب را اعلام نمود (فوران، ۱۳۸۷: ۴۲۲).

در ۱۳۳۰/۲/۷ مجلس با ۷۹ رأی موافق از مجموع ۱۰۰ رأی، دکتر محمد مصدق را به نخست‌وزیری انتخاب کرد. مصدق تنها شرط پذیرش را تصویب گزارش کمیسیون نفت (مبنی بر اجرای قانون ملی شدن نفت) تعیین کرد و شاه در ۱۳۳۰/۲/۱۰ فرمان نخست‌وزیری مصدق را امضا کرد (زعیم، ۱۳۷۸: ۱۴۱). پس از نخست‌وزیر شدن مصدق، قانون توجه عامه، دیگر نه مجلس بلکه نخست‌وزیر و خیابان‌ها بودند که مرکز قدرت جبهه ملی باقی مانده بود. از سویی، آیت‌الله کاشانی به مردم اعلام کرد که تا وقتی جبهه ملی «این مبارزه مقدس و ملی علیه انگلیس را ادامه دهد»، کاملاً پشتیبان مصدق خواهد بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۰).

مسلم است که در پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت و به قدرت رسیدن مصدق سه ضلع افکار عمومی، حمایت‌های تشکل‌های مذهبی و تلاش‌های اقلیت مجلس نقش مهمی داشتند که نبود هر یک می‌توانست نهضت را به شکست بکشاند (رحیمی روشن و حجازی، ۱۳۹۳: ۸۲).

واکاوی دلایل خود محوری دکتر مصدق در شکست نهضت ملی و صنعت نفت

از همان آغاز نخست وزیری، مصدق با دو دغدغه اصلی، یکی اجرای قانون ملی شدن نفت و دیگری اصلاح قانون انتخابات، عهده دار تشکیل کابینه شد. در ۲۲ تیر ۱۳۳۱ مصدق از مجلس تقاضای اختیارات شش ماهه در مورد اصلاح قانون انتخابات، شهرداری‌ها، اصلاح امور مالی، اقتصادی، بهره‌برداری از منابع نفت کشور، اصلاح سازمان‌های اداری، ایجاد شورای محلی در دهات و... کرد و پست وزارت جنگ را نیز از شاه خواست که با مخالفت وی روبه‌رو شد. مصدق استعفا داد و قوام جای وی را گرفت. قوام چندان بر سر قدرت باقی نماند. انتشار استعفای مصدق، اعلامیه شدیدالحن قوام، اعلامیه شدید آیت الله کاشانی - این اعلامیه در مقابل اعلامیه ضد مردمی قوام صادر و به اعلامیه قوام برانداز مشهور شد- و مصاحبه مطبوعاتی وی باعث قیام سی تیر ۱۳۳۱ شد (مکی، ۱۳۷۰: ۲۷۹-۲۷۷).

بعد از قیام سی تیر مصدق دوباره به قدرت بازگشت، اما در نهایت به بهانه نفوذ حزب توده در دولت و انحلال مجلس و برگزاری رفراندوم، عوامل داخلی به پشتیبانی عوامل خارجی دست به کودتا علیه دولت وی زدند (مکی، ۱۳۷۷: ۴۳۴). مصدق برکنار و در دادگاه نظامی محاکمه شد. جبهه ملی نیز به واسطه تبعید رهبری و به واسطه دستگیری اعضای شاخص آن منحل گردید. با کودتای ۲۸ مرداد، انتخاب سیاسی مورد نظر غرب (انگلستان و آمریکا) به انجام رسید. حکومت جدید ایران توسط آمریکا تحمیل گردید (متقی، ۱۳۷۸: ۱۸۴).

۵- سیاست‌های توسعه سیاسی و اقتصادی مصدق

همچنان که بیان شد، منظور از توسعه سیاسی مجموعه اقداماتی در جهت حفظ استقلال، محدود کردن قدرت مطلقه، تقویت جامعه مدنی و فضای سیاسی و به تبع آن آزادی‌های مدنی و سیاسی، حاکمیت مردم، حقوق مدنی، مساوات‌طلبی، قانون و قانون‌مداری، مشارکت سیاسی، احزاب، مطبوعات و پارلمان می‌باشد. مصدق در دوره ۲۸ ماهه نخست وزیری خود استراتژی‌ها و سیاست‌های متفاوتی را برای اداره امور کشور در پیش گرفت که با مصادیق توسعه سیاسی در یک کشور توسعه نیافته، انطباق داشت:

۵-۱- نماینده‌ی آزادی‌خواه

مصدق در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی نمایندگی مردم تهران را به دست آورد. در همان دوره بود که موضوع تغییر سلطنت و پادشاه شدن رضاخان، که در آن زمان نخست وزیر احمدشاه و هم‌زمان وزیر جنگ بود، مطرح شد. مصدق که از ویرانی‌ها و گرفتاری‌هایی که نظام خودکامه‌ی قاجار برای مردم ایران به بار آورده بود، نیک آگاه بود و بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه را تفکیک قوا، به وجود آمدن مجلس شورا و کاستن از دخالت‌های شاه در کارهای کشور می‌دانست، از مخالفان سرسخت پی‌ریزی یک نظام خودکامه‌ی دیگر شد. او در جلسه‌ی ۹ آبان‌ماه ۱۳۰۴ خورشیدی در سخنرانی خود در مجلس مخالفت خود را با پادشاه شدن رضاخان این‌گونه بیان کرد: بنده در سال گذشته در حضور آقایان محترم به کلام‌الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت و ملت خیانت نکنم. آن ساعتی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمان هستم و از آقایان تمنا دارم به احترام این فرآن برخیزند و در حضور همه‌ی آقایان شهادت خود را می‌گویم، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا وَرَسُولُهُ. من به این کلام‌الله مجید قسم یاد کردم و این ساعت هم کلام‌الله خصم من باشد اگر در عقیده‌ی خودم یک اختلاف و تفاوتی حاصل کرده باشم (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

۵-۲- حفظ استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی

مصدق نه تنها در طول حکومت خویش و رهبری سیاست خارجی ایران، بلکه از آغاز ورود به صحنه‌ی سیاسی کشور در همه مراحل فعالیت‌های قضایی، اداری و اجرایی، پارلمانی، فرهنگی و سیاسی خود، در عین استفاده از تعارضات موجود در نظام بین‌المللی و ایجاد توازن سیاسی، پابندی به میثاق‌های بین‌المللی و حضور فعال در مجامع جهانی، با هر گونه وابستگی و گرایش به قطب‌های قدرت، اعطای امتیازات و انحصارات به بیگانگان، حضور مستشاران خارجی در کشور، اجرای طرح‌های مورد نظر قدرت‌های جهانی، انعقاد قراردادهای یک‌طرفه‌ی زیان‌بار برای کشور و روی کار آمدن عناصر و محافل وابسته به بیگانگان و تحکیم و بسط قدرت آنان با هر گرایش و سمت و سو سخت مخالف بود و با استفاده از همه امکانات و ابزارها با آن به مخالفت می‌پرداخت. از مهمترین اقدامات مصدق در جهت حفظ استقلال ایران عبارت‌اند از:

■ واکاوی دلایل خود محوری دکتر مصدق در شکست نهضت ملی و صنعت نفت

- مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق و خروج از کشور و تسلیم اعتراضیه در مورد این قرارداد به جامعه ملل، با وجود خویشاوندی با و ثوق الدوله عاقد قرارداد؛
- مخالفت با کودتای انگلیسی سید ضیاء - رضاخان و تلگراف زدن به احمد شاه در این زمینه، تهدید شدن از سوی سید ضیاء، استعفا از حکمرانی فارس در اعتراض به حکومت کودتا و نپذیرفتن پست در کابینه کودتا؛
- جلوگیری از دستیابی انگلیس به جزایر ابوموسی و شیخ شعیب و مخالفت با مطالبان غیرقانونی این کشور به هنگام تصدی وزارت خارجه در کابینه مشیر الدوله؛
- مخالفت جبهه ملی به رهبری مصدق با قرارداد گس - گلشائیان در آغاز شکل گیری مجلس شانزدهم در ۲۵ اسفند ۱۳۲۸؛
- نپذیرفتن نخست وزیری پس از ترور رزم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ به منظور پیگیری قانون ملی شدن صنعت نفت؛
- ریاست کمیسیون ۱۸ نفره نفت با پنج عضو از جبهه ملی در مجلس شانزدهم که در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به ملی شدن نفت تصمیم گرفت (این تصمیم در ۲۴ اسفند به تصویب مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند به تصویب مجلس سنا و توشیح شاه رسید و صنعت نفت ایران در این روز رسماً ملی شد)؛
- تعیین هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران بلافاصله پس از رسیدن به مقام نخست وزیری در اردیبهشت ۱۳۳۰ و خلع ید شرکت نفت ایران و انگلیس؛
- اعتراض به شکایت انگلستان و دخالت دیوان دادگستری بین المللی لاهه بر مبنای عدم صلاحیت دیوان؛
- تقاضای رعایت بی طرفی از آمریکا، به جای مساعدت در اختلافات ایران و انگلیس در جلسه ۱۹ آذر ۱۳۳۰ مجلس؛
- رد درخواست شوروی مبنی بر تمدید امتیاز انحصار کشتیرانی و شیلات شمال در دیماه ۱۳۳۱ (مدیرشانه چی، ۱۳۷۷: ۸۷).

۶ - محدود کردن قدرت مطلقه شاه

مصدق محدود نخست‌وزیرانی بود که به‌طور آشکار در مقابل شاه ایستاد. او برای اولین بار در دوران پهلوی شاه را به موجودی کنش‌پذیر و سردرگم تبدیل کرد. مصدق با اقدامات خود برخوردارای شاه را از اختیاراتی که مجلس مؤسسان به او بخشیده بود، عملاً ناممکن ساخت و بهره‌مندی او را از حق وتوی تعلیقی مصوبات پارلمان ناکام گذاشت. مصدق از رهگذر این تحولات به دنبال افزایش قدرت خود فراتر از قانون اساسی نبود، به همین دلیل رفتار او با شاه رفتاری اصولی و مبتنی بر این باور اساسی بود که شاه غیرمسئول نمی‌تواند مسئولیت و قدرت اجرایی داشته باشد. مصدق بر آن بود که مشروطیت تنها در صورتی در ایران به راه درست خواهد رفت که قدرت اجرایی در دست رئیس حکومت باشد که مسئولیت قانونی امور را بر دوش دارد و تنها در صورتی این امر عملی می‌شود که شاه بر آن گردن نهد و مانع تحقق و نهادینه شدن آن نشود. هیچ نخست‌وزیری به اندازه مصدق کمر به محدود کردن بنیادی و اصولی قدرت و اختیارات شاه و نفوذ دربار نبسته بود، شاهی که از مقابله آشکار با مصدق پرهیز می‌نمود (رمادان، ۱۳۸۵: ۷).

۷ - تقویت جامعه مدنی و فضای سیاسی

جامعه مدنی برای اولین بار در انقلاب مشروطیت وارد جامعه ایران شد و افکار عمومی را به خود مشغول کرد و همه توجهات را به قانون اساسی و قانون مدنی و در نتیجه قانون‌گرایی معطوف کرد. اما ۲۸ ماهی که ایران به نخست‌وزیری مصدق اداره شد، کشور شاهد مطلوب‌ترین جامعه به لحاظ توجه به بایدها و نبایدها بود. دوران نهضت ملی دو دستاورد بزرگ داشت که همان ملی شدن نفت و همچنین اصلاح قانون انتخابات بود که این امر، مردم را صاحب اختیار می‌کرد. همچنین اوج آزادی و استقلال و بحث مهمی چون عدالت در آن ایام به خوبی مشاهده می‌شد و نکته مهم دیگر آزادی احزاب و روزنامه‌ها بود و حتی مصدق بخشنامه کرده بودند که پلیس حق دستگیری به توهین‌کنندگان به نخست‌وزیر را ندارد، این بخشنامه در شرایطی صادر شد که چندی پیش از آن اعلام شده بود که توهین‌کنندگان به مراجع از شش ماه تا سه سال به زندان می‌روند. آن روزها را باید دوران طلایی دانست که محصولاتی چون دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و اشخاصی چون

سحابی و طالقانی را به جامعه تحویل داد. مطالبه جدی مصدق این بود که شاه باید سلطنت کند و حکومت را به دیگران بسپارد (میثمی، ۱۳۹۲: ۳).

۷-۱- آزادی مطبوعات

تحلیل‌های تاریخی نشان می‌دهند که پس از کناره‌گیری رضا شاه از قدرت، استقلال و آزادی در مرکز ثقل مطالبات سیاسی مردم بود که پاسخ‌گویی به آن در عمل به عهده دکتر مصدق و نهضت ملی قرار گرفت. منبع مشروعیت دولت مصدق، اقتدار قانونی و مردمی بوده است، بنابراین رهبری که از چنین مشروعیتی برخوردار است، نه تنها با مخالفان خود برخورد حذفی و خشن نمی‌کند، بلکه بیشترین تحمل و مدارا را در برابر آنها نشان می‌دهد. واکنش مصدق در برابر مخالفان، مطبوعات به‌طور کلی و مطبوعات منتقد و مخالف به‌طور خاص که رکیک‌ترین الفاظ را در حمله به او بکار می‌بردند، نه تنها تصویب قانونی برای مطبوعات است که بیشترین رواداری را در قبال مخالفان پیش‌بینی می‌کند بلکه، دستگاه‌های دولتی را از برخورد با مطبوعات که با او مخالفت یا از او انتقاد می‌کردند، برحذر می‌دارد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۷).

۷-۲- حقوق مدنی و اقدامات رفاهی

مصدق در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ با بیشترین آرای مجلس سنا و مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری برگزیده شد و هدف خود را بر دو موضوع متمرکز کرده بود؛ یکی قانون اجرایی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد رفاه عمومی است و دیگری اصلاح قانون انتخابات مجلس. مصدق بعد از این که اختیارات قانون‌گذاری از دو مجلس شورای ملی و سنا را می‌گیرد، ۱۱۹ لایحه را برای اصلاح امور داخلی کشور تصویب می‌کند (www.janarani.ir).

۷-۳- مشارکت سیاسی

شهرت مصدق عمدتاً ناشی از مبارزه برای دو هدف اساسی بود. مشروطه‌خواهی صریح در داخل و همچنین سیاست سرسختانه «موازنه منفی» در خارج با هدف تضمین استقلال از سلطه خارجی. حامیان وی به‌رغم خواستگاه اشرافی وی عمدتاً از طبقات متوسط جامعه بودند و به لحاظ فسادناپذیری شخصیتی پرآوازه داشت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۲۱۰). پس از نخست‌وزیر شدن مصدق در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰، کانون توجه عامه، دیگر نه مجلس بلکه نخست‌وزیر و خیابان‌ها بودند

که مرکز قدرت جبهه ملی باقی مانده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۹) به هر تقدیر، گفتمان غالب دوره نخست‌وزیری مصدق، گفتمان استقلال و آزادی بوده است. مشی و مرام و نیز مجموعه برنامه‌ها عملکردها و اعتقادات دکتر مصدق، بیشترین قرابت و با شاخص‌های توسعه سیاسی دارد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۷).

۸- دکتر مصدق و سیاست پرهیز از جنجال

در مذاکراتی که در تیر ماه ۱۳۳۰ میان نمایندگان دولت ملی ایران و سفیر دولت انگلستان در خصوص شرایط ملی کردن نفت صورت گرفت، دولت انگلستان و سفیر آن دولت در ایران می‌کوشیدند تا شرایطی را برای شروع مذاکرات پیش کشند. از جمله آن که عملیات معوق شده شرکت نفت انگلیس در خوزستان از سر گرفته شود و دولت ایران مداخلات خود را تا حصول به نتیجه نهایی متوقف سازد و افرادی مانند حسین مکی را که از نظر بریتانیا عناصری ماجراجو و آشوب طلب تلقی می‌شدند فراخواند. لازم به ذکر است که مکی به همراه مرحوم بازرگان و تنی چند از شخصیت‌های دیگر مسئولیت خلع ید از شرکت نفت انگلستان در جنوب را داشتند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

۹- پیوند انقلاب امام خمینی و نام و یاد مصدق

اول این که آنچه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد کودتا نبود. جالب این که خانم «مادلین آلبرایت»^۱ وزیر خارجه آمریکا در دولت بیل کلینتون می‌گوید؛ کودتا بود و امیر اسدالله علم یار گرمابه و گلستان شاه در خاطرات خود در روز پنج شنبه ۱۱ آبان ۱۳۴۸ واژه کودتا را به کار می‌برد و ثریا اسفندیاری هم در خاطرات خود می‌نویسد؛ به پادشاه گفتم اولین پادشاهی باش که علیه دولت خود کودتا می‌کند، اما پسر کاشانی می‌گوید کودتا نبود! نقش کاشانی در ملی شدن صنعت نفت البته بر کسی پوشیده نیست. نقشی که هم در جایگاه فعالیت سیاسی خود او ایفا شد و هم به عنوان چهره‌ای که هر چند در جایگاه مرجعیت و افتا نبود، اما در تهییج توده‌های مذهبی تأثیر داشت. سومین نکته

1 Madeleine Albright

واکاوی دلایل خود محوری دکتر مصدق در شکست نهضت ملی و صنعت نفت

دیگر اینکه که در پی اثبات آن است این است که اگر مصدق به نصایح کاشانی توجه می کرد مسیر دیگری در پیش بود و مانند این ها (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

البته اگر قرار بود امام خمینی در منازعه نهایی کاشانی - مصدق و در دهه ۳۰ و قبل از کودتا جانب یکی را بگیرد به احتمال زیاد آن فرد کاشانی بود نه مصدق؛ اما امام در آن ماجراها بیشتر نظاره گر بود و هر چند سن ایشان از ۵۰ فراتر بود ترجیح دادند وارد این دعوا نشوند و ورود صریح ایشان به عرصه سیاست پس از درگذشت آیت الله بروجردی صورت پذیرفت (میثمی، ۱۳۹۲: ۷۶). نکته مهم و مورد تأکید این نوشته اما مقوله‌ای دیگر است. وقتی از امام خمینی صحبت می کنیم معیار باید سیره او در انقلابی باشد که رهبری آن را بر عهده گرفتند نه هر سخنی که مربوط به سال‌ها قبل است. از این منظر می توان گفت اگر هم امام خمینی در جوانی به مرحوم کاشانی علاقه‌ای داشته، اما در انقلابی که به پا کرد نام و یاد دکتر محمد مصدق نقش داشت. در خیابان‌های تهران و شهرستان‌ها در راه پیمایی‌ها و تظاهرات سال ۱۳۵۷ پس از تصویر امام خمینی کدام عکس‌ها در دست مردم بود؟ به ترتیب دکتر مصدق، علی شریعتی، سوم غلامرضا تختی و آیت الله سید کاظم شریعتمداری در دست مردم بود (متینی، ۱۳۸۸: ۸۲).

همه این فکت‌ها نشان می دهد که انقلاب امام خمینی با مصدق و نام او پیوند داشته است و این که آقای سید محمود کاشانی بگردد و جمله‌ای از امام در سال‌های قبل از دهه ۴۰ را پیدا کند، مثل این است که به سخنان امام در باره مالیات، حق رأی زنان، بهره بانکی، موسیقی و مانند این‌ها که به اقتضای زمان‌های خاصی بوده و با آنچه در دهه ۶۰ دیدیم تفاوت داشت استناد شود (رهنما، ۱۳۸۴: ۳۵).

رهبر فقید انقلاب می گوید خود را از منازعه کاشانی - مصدق تا حد ممکن دور نگاه دارد و یکی دوبار اشاره در پیش و بعد از انقلاب به خاطر اقتضائات زمان و در باره آن جمله مشهور هم پس از بیانیه جبهه ملی درباره قصاص در سال ۶۰ بود (زعیم، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

امام در اختلاف مطهری - شریعتی یا مناقشات مربوط به کتاب شهید جاوید و اختلاف شماری از روحانیون با صالحی نجف آبادی نیز ورود نکرد. از سوی دیگر مهم ترین دلیل حمایت امام از اشغال سفارت آمریکا در تهران و توصیف اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با عنوان «انقلاب دوم» و آن همه تأیید و ستایش به خاطر این بود که امکان تکرار کودتای ۲۸ مرداد را منتفی کردند.

در حالی که اگر به کودتا بودن ۲۸ مرداد باور نداشتند و با کاشانی بعد کودتا نیز کاملاً هم نظر بودند آن همه تقبیح ۲۸ مرداد در جمهوری اسلامی نهادینه نمی‌شد. همه این مقدمات برای این بود که اذعان شود انقلابی که با نام امام خمینی و با حضور چهره‌هایی چون طالقانی و بازرگان و شریعتی شناخته می‌شود ربط وثیقی با نام و راه مصدق و کودتا دانستن ۲۸ مرداد دارد و این همان واقعیتی است که آقای سید محمود کاشانی دریافته یا خود را به ندانستن می‌زند (آقابخش و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۱۴۱-۱۳۸).

نتیجه‌گیری

نمی‌توان به دکتر مصدق، رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت، فکر کرد و دچار احساس ستایش نشد. با این حال مصدق به عنوان یکی از نخست‌وزیران تاریخ‌ساز این مرز و بوم به دور از نقد و پرسش و اختلاف نیست. در این گفت‌وگو هم که ۱۴ اسفند و همزمان با چهل و پنجمین سالروز درگذشتش انجام شد، قرار بر این نبود به شرح افتخارات و کارنامه درخشان او پرداخته شود. ملی شدن صنعت نفت و مصدق همان قدر که هوادار و تأیید دارند با مخالف و شبهه مواجه‌اند. برای یافتن پاسخ شبهاتی که نسبت به رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت مطرح می‌شود، یکی از هواداران او به نام «هاشم صباغیان»، وزیر کشور دولت مهندس بازرگان پرسش گرفته شد. کسی که در مورد محمد مصدق با غرور سخن می‌گوید و نقد رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت مقابل او کار سختی است. با این حال شش دهه پس از نخست‌وزیری مصدق، می‌توان به انصاف و بی‌طرفی امیدوار بود؛ قضاوت کار ساده‌ای نیست. هوادارانش او را یکی از تأثیرگذارترین رهبران سیاسی ایران در تاریخ معاصر می‌دانند اما منتقدانش او را به رفتارهای فراقانونی متهم می‌کنند. در گفت‌وگوی پیش‌رو تا حد امکان سعی شده است علت رفتارهای مصدق که توسط منتقدانش، «فراقانونی» توصیف می‌شود، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

مصدق در سال‌های نخست‌وزیری دو استراتژی بسیار پراهمیت را مطرح و تقریباً به هر دو آنها عمل کرد: ۱- زنده کردن قانون اساسی به عنوان میراث پرارزش جنبش مشروطه و میثاق ملی که به استناد آن: اول: قدرت ناشی از ملت است، دوم: همه افراد در برابر قانون یکسان هستند. با تکیه بر اصول قانون اساسی، شاه بایستی سلطنت کند نه حکومت. نقطه ثقل استراتژی دکتر مصدق انتقال

■ واكوی دلایل خود محوری دكتر مصدق در شكست نهضت ملی و صنعت نفت

قدرت از دربار به پارلمان بود. ۲- مصمم بودن دكتر مصدق در برکناری انگلیس از منابع نفتی جنوب و اعمال حق حاکمیت ملی در تمام منابع ثروت کشور، که این دو امر برای نخستین بار در تاریخ ما اتفاق می افتاد و از ارزش بالایی برخوردار بود.

این اقدامات در حالی صورت گرفت که مصدق به لحاظ فسادناپذیری شخصیتی بسیار پرآوازه داشت که علت آن نیز اجتناب وی از اسراف کاری های دیگر هم تیان اعیان و اشراف و همچنین زندگی در سطح طبقات متوسط بود. از به کارگیری لقب سلطنه دوری می کرد و ترجیح می داد تا به پاس درجه بالای تحصیلی اش از اروپا او را دكتر خطاب کنند. هم عصران وی نیز تمایل داشتند هر فرد دارای تحصیلات عالی را با عنوان دكتر یا مهندس یاد کنند. پس از انتخاب به نخست وزیری از پذیرش عنوان عالی جناب خودداری کرد. به اعتقاد سفارت بریتانیا این امر دلیلی بر عوام فریبی، غیرمنطقی بودن و پیش بینی ناپذیری مصدق بوده است. اما ایرانیان این نکته را نیز دلیل دیگری برای متفاوت بودن او از اعیان و اشراف می دانستند. مصدق که هم زمان با بریتانیا و همچنین شاه مبارزه می کرد، جبهه ملی را تشکیل داد و در آن طیف گسترده ای از احزاب و انجمن های مرتبط با طبقه متوسط را بسیج کرد. علاوه بر این، مصدق پشتیبانی شماری از چهره های برجسته به ویژه آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، فعال ترین روحانی آن دوره در حوزه های سیاسی را نیز به همراه داشت. در مجموع، نگاهی به نقش تاریخی دكتر مصدق در طول دو سال و چهار ماه حکومت پر تلاطم اش، به خوبی روشن می کند که در تمامی دورانی که برای دفاع از حقوق ملت ایران قدم برداشته بود خارج از این پنج موضوع؛ نفت، موازنه منفی، سیاست مالی، آبادانی و حاکمیت ملی قدم برنداشته بود. بدون تردید آنچه که موجب جاودانه گی مصدق شد، نه سیاست موازنه منفی بود و نه ملی کردن نفت و نه سیاست های مالی و عمرانی، بلکه فداکاری و از جان گذشگی مصدق در مبارزه جهت پاره کردن بندهای اسارتی بود که بر دست و پای این ملت مظلوم بسته بودند. نتیجه این که مصدق زندگی اش را وقف ایجاد حاکمیت ملی ایران کرد، اما افسوس که استعمار به کمک کارگزاران داخلی اش تمام آنچه را که او تنیده بود، پاره کرد.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن (الف)*. جلد ۵، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نی.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر (ب)*. جلد ۱۷، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *جامعه امن در گفتمان خاتمی*. تهران، نی.
- ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*. تهران، پاژنگ.
- راعی، مسعود. (۱۳۸۰). جایگاه حق توسعه در حقوق بشر معاصر. *مجله معرفت*، ۱۲(۴۹)، ۲۷-۱۶.
- رحیمی روشن، حسن و حجازی، محمدکاظم. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی ظهور و سقوط محمد مصدق و محمد مرسی در انقلاب مصر و نهضت ملی نفت در ایران. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۳(۱۲)، ۸۹-۷۹.
- رمادان، حسین. (۱۳۸۵). مصدق بر مسند ناتوان‌ترین نهاد مشروطیت. *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۱۰۴۵.
- رهنما، علی. (۱۳۸۴). *نیروهای مذهبی در بستر حرکت نهضت ملی*. تهران، گام نو.
- زعیم، کوروش. (۱۳۷۸). *جبهه ملی ایران*. تهران: ایران مهر.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۰). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- صادقی، رامین. (۱۳۹۳). بررسی نقش و جایگاه حسین فاطمی در جبهه ملی. *پژوهش‌های علوم انسانی*، ۶(۳۳)، ۱۸-۱.
- عباسی سرمدی، مهدی و راهبر، مهرانوش. (۱۳۸۸). توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶. *سیاست*، ۱۰(۲)، ۲۸۰-۲۵۹.
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- فاتح، مصطفی. (۱۳۸۴). *پنج‌جاه سال نفت ایران*. تهران: علم.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران از مشروطه تا خاتمی. *رسانه*، ۱۴(۵۴)، ۳۵-۱۸.
- فوران، جان. (۱۳۸۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کی استوان، حسین. (۱۳۲۷). *سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم*. ج ۱، تهران: روزنامه مظهر.

واکاوی دلایل خود محوری دکتر مصدق در شکست نهضت ملی و صنعت نفت

- متقی، ابراهیم. (۱۳۷۸). جهت‌گیری سیاست خارجی و نقش ملی ایران از کودتا تا انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۳۲، نامه مفید، (۱۹)، ۱۷۷-۲۰۶.
- متینی، جلال. (۱۳۸۸). نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق. آمریکا: شرکت کتاب، چ ۲.
- مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۷۷). سیاست خارجی ایران در دوران زمامداری مصدق. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲ (۱۳۱-۱۳۲)، ۸۴-۹۵.
- مسعودنیا، حسین و ابراهیمی، علی. (۱۳۹۴). علل تکوین جنبش ملی شدن صنعت نفت بر اساس نظریه محرومیت نسبی، جامعه‌شناسی تاریخی، ۷ (۳)، ۲۷۷-۲۹۹.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۷۹، ۱۳۲/۹/۱۱.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مکی، حسین. (۱۳۷۰). سال‌های نهضت ملی از آذرماه ۱۳۳۰ تا شهریور ۱۳۳۱. ج ۵، تهران: علمی.
- مکی، حسین. (۱۳۷۷). سال‌های نهضت ملی از نهم اسفند تا مرداد ۱۳۳۲. ج ۷، تهران: علمی.
- میثمی، لطف اله. (۱۳۹۲). جامعه مدنی باید جایگزین جامعه مدنی شود، لطف اله میثمی در گفت‌وگو با شرق. روزنامه شرق، ش ۱۷۱۴.
- نادمی، داوود. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی. برگ فرهنگ، (۲۳)، ۸-۳۵.
- ورجانوند، پرویز. (۱۳۷۷). مصدق، نفت و سیاست موازنه منفی. مجله گزارش، (۹۰)، ۲۳-۲۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی